

سیاست قدرت هوشمند (نرم و سخت) روسیه در سوریه،

با تأکید بر مقابله با ترکیه ۲۰۲۳-۲۰۱۱

احسان جعفری فر^۱، حبیب‌اله ابوالحسن شیرازی^۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۱/۲۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۹/۲۱

چکیده:

بحران داخلی سوریه در سال ۲۰۱۱ آغاز شد ولی با مداخله بازیگران منطقه‌ای و فرامطقه‌ای به یکی پیچیده‌ترین بحران‌های بین‌المللی تبدیل شد. روسیه و آمریکا از بازیگران فرامطقه‌ای و ترکیه، ایران، عربستان از بازیگران منطقه‌ای در این بحران می‌باشند که با استفاده از قدرت نرم و سخت تلاش داشتند تا در حفظ یا سقوط رژیم بشار اسد موفق عمل کنند. تقابل روسیه و ترکیه در بحران سوریه و برتری موضع روسیه در حفظ رژیم بشار اسد هدف این پژوهش است بنابراین در این مقاله، تلاش خواهد شد تا به ترکیب راهبردی و هوشمندانه قدرت نرم و سخت (قدرت هوشمند) روسیه در برابر ترکیه با محوریت بحران سوریه پرداخته شود. سؤال اصلی این است که چگونه روسیه در بحران سوریه از قدرت هوشمند در برابر مداخله ترکیه (۲۰۲۳-۲۰۱۱) استفاده کرده است؟ برای بررسی موضوع در چارچوب دیدگاه قدرت هوشمند از منظر جوزف نای به قدرت نرم روسیه در ابعاد فرهنگ، ارزش و سیاست خارجی و قدرت سخت در بعد نظامی و اقتصادی پرداخته شده است. یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد که در میدان سوریه قدرت هوشمند روسیه با تأکید بیشتر بر قدرت نرم برای مهار ترکیه به کار گرفته شده است و مهم‌ترین دستاورد روسیه از به‌کارگیری قدرت هوشمند، بدون درگیر شدن جدی نظامی با ترکیه، حفظ رژیم بشار اسد، جلوگیری از اقدام نظامی گسترده ترکیه علیه سوریه، به دست گرفتن ابتکار مذاکرات صلح و کسب برتری استراتژیک با بستن قراردادهای نظامی و اقتصادی بوده است.

واژگان اصلی: بحران سوریه، قدرت هوشمند، قدرت نرم، قدرت سخت، روسیه، ترکیه.

۱. دانشجوی دکتری روابط بین‌الملل، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

۲. استاد گروه روابط بین‌الملل، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

مقدمه

از سال ۲۰۱۱ به بعد، منطقه غرب آسیا شاهد تحولات سیاسی عمیقی بوده است. این تحولات که با انقلاب تونس در دسامبر ۲۰۱۰ آغاز شد، به سرعت به کشورهای دیگر منطقه، از جمله مصر، لیبی، یمن، بحرین و سوریه، سرایت کرد. در سوریه، این تحولات با سرکوب خشونت بار تظاهرات مردمی توسط دولت بشار اسد، به جنگ داخلی تبدیل شد. در ژانویه ۲۰۱۲، ائتلافی شکننده از مخالفان سوری، عمدتاً از سنی‌ها، در برابر نیروهای مسلح دولت اسد شکل گرفت. این ائتلاف به سرعت از حمایت کشورهای منطقه و فرامنطقه‌ای، از جمله ترکیه، عربستان سعودی، قطر و ایالات متحده، برخوردار شد. گروه‌های مخالف دولت بشار اسد، که از حمایت خارجی نیز برخوردار بودند، توانستند مناطق وسیعی از خاک سوریه را به کنترل خود درآورند و دولت اسد سال ۲۰۱۵ در آستانه سرنگونی قرار داشت. هرچند پیش‌تر روسیه به صورت دیپلماتیک از رژیم اسد دفاع کرده بود اما با وخامت اوضاع داخلی در سپتامبر ۲۰۱۵ به‌طور رسمی در حمایت از بشار اسد وارد جنگ داخلی سوریه شد. این عملیات نظامی، سرنوشت جنگ داخلی سوریه را دگرگون ساخت و رژیم از سقوط نجات یافت. باید گفت در حمایت از بشار اسد تنها مقابله با مخالفان شرط حفظ رژیم نیست بلکه روسیه باید بتواند با بازیگران دولتی و نقش آن‌ها مقابله کند. پیش از ورود روسیه به بحران، ترکیه یکی از بازیگران اصلی مخالف رژیم اسد بود که در جهت تضعیف و سقوط رژیم اقدامات متعددی را انجام می‌داد. بنابراین روسیه مجبور به مقابله با ترکیه در سوریه نیز بود. این تقابل باید به نحوی می‌شد که بدون وارد آمدن خسارت اساسی یا درگیر کردن روسیه در یک جنگ ناخواسته با ترکیه بتواند از بشار اسد نیز حمایت لازم و کافی را به عمل آورد از همین رو روسیه تلاش کرد تا بتواند با قدرت نرم و سخت به این هدف دست یابد. از این رو، در پژوهش حاضر به چگونگی کاربست راهبردهای نرم و سخت قدرت روسیه در تقابل با بازیگر منطقه‌ای ترکیه پرداخته شده است. سؤال اصلی پژوهش این است که چگونه روسیه از قدرت نرم و سخت (قدرت هوشمند) در برابر مداخله ترکیه (۲۰۲۳-۲۰۱۱) در سوریه استفاده کرده است؟ برای بررسی از روش تبیینی، با گردآوری اسناد کتابخانه‌ای و در چارچوب مفهوم قدرت هوشمند از منظر جوزف نای که از تئوریسین‌های اصلی قدرت هوشمند نیز است استفاده شده است. پژوهش برای بررسی این فرضیه را مورد آزمون قرار خواهد داد که؛ روسیه نقش ترکیه در بحران سوریه را تهدیدی علیه حفظ رژیم بشار اسد و منافع خود می‌داند بنابراین با استفاده از قدرت هوشمند تلاش داشته است برای تقویت نفوذ خود در بعد نرم به نفوذ فرهنگی، ارزشی و سیاست خارجی و در بعد سخت به قدرت نظامی و اقتصادی توجه کند.

رهیافت تحلیلی؛ قدرت هوشمند

قدرت مهم‌ترین مؤلفه تعیین‌کننده در سطح بین‌المللی است؛ جوزف نای قدرت را به دو طبقه سخت و نرم تقسیم می‌کند (جدیدی و همکاران، ۱۴۰۱: ۱۶۴) که ترکیب این دو قدرت هوشمند نامیده می‌شود؛ ایده قدرت هوشمند را نخستین بار سوزان ناسل در مقاله‌ای در نشریه امور خارجی ۲۰۰۴ به کاربرد و به‌عنوان شیوه‌ای عمل‌گرایانه برای پیشبرد منافع کشورها در سطح بین‌المللی معرفی کرد. به اعتقاد ناسل، منابع قهری و اقناعی باید در یک‌جهت هماهنگ شوند تا برآیند آن تضمین تداوم و برتری یک کشور در سیاست باشد. از همین رو، به نظر او می‌توان استراتژی امنیت ملی دولت بوش در سال ۲۰۰۲ را راهبرد ترکیبی از مبارزه سخت با تروریسم در عین ترویج دموکراسی، بازارهای آزاد و تجارت دانست. البته ناگفته نماند قبل از کاربرد واژه قدرت هوشمند توسط ناسل، به‌صورت عملی می‌توان این راهبرد را در دوره‌های گذشته و تاریخ کشورها نیز مشاهده کرد. برای مثال، در طول جنگ سرد، غرب از قدرت سخت (نظامی) برای جلوگیری از تجاوزهای شوروی و از قدرت نرم برای از بین بردن ایدئولوژی کمونیسم و نفوذ آن استفاده می‌کرد (جعفری فر و ابوالحسن شیرازی، ۱۴۰۰: ۶۰).

جوزف نای به‌عنوان اندیشمند دیگر قدرت هوشمند که البته مدعی است پیش از ناسل در سال ۲۰۰۳ قدرت هوشمند را ابداع کرده است نیز دیدگاه مشابهی در اهمیت قدرت سخت و نرم دارد. سه شکل قدرت سیاسی یکی از موضوعات برجسته‌ای است که در آثار نای دیده می‌شود و با نگرانی او از سوگیری محققان و سیاست‌گذاران نسبت به تأکید بر قدرت سخت یا «توانایی دستیابی به نتایج موردنظر از طریق اجبار یا پرداخت هزینه» همراه است. تمایل آن‌ها به نادیده گرفتن آنچه او قدرت نرم می‌نامد یا «توانایی تأثیرگذاری بر دیگران از طریق ابزارهای مشارکتی در قالب‌بندی دستور کار، متقاعد کردن و برانگیختن جذابیت مثبت به‌منظور دستیابی به نتایج مطلوب» موجب می‌شود که او بر دو کاربرد این دو بعد قدرت تأکید کند. نای می‌گوید منابع قدرت سخت می‌توانند قدرت نرم ایجاد کنند، مانند زمانی که یک کشور از نیروهای مسلح خود برای انجام عملیات امداد بشردوستانه به نمایندگی از کشور دیگر استفاده می‌کند. از سوی دیگر به نظر او در بیشتر موارد، قدرت نرم یک دولت از سه‌پایه مستقل و ایدئال سرچشمه می‌گیرد: فرهنگ، ارزش‌های سیاسی و مشروعیت سیاست خارجی (Resnick, 2015: 385). اهمیت توجه به این نظریه زمانی رخ داد که در سال ۲۰۰۶ مرکز مطالعات

استراتژیک و بین‌المللی (CSIS) اعلام کرد «تصویر و نفوذ آمریکا در سراسر جهان رو به افول است و برای حفظ نقش رهبری در امور جهانی، ایالات متحده باید از ایجاد ترس و خشم به ایجاد خوش‌بینی و امید حرکت کند» (Wong-Diaz, 2013:27). در سال ۲۰۰۷، با ادامه بدتر شدن اوضاع در عراق جان هامر، ریچارد آرمیتاژ و جوزف نای رئیس مشترک «کمیسیون قدرت هوشمند» مرکز مطالعات استراتژیک و بین‌المللی در واشنگتن شدند که با جمعی از سناتورهای سابق و قضات دیوان عالی برای متمرکز کردن سیاست خارجی آمریکا به دنبال راهبرد عملی‌تر و کم‌هزینه بودند. پس از آن در دولت بوش، سال ۲۰۰۷، رابرت گیتس، وزیر دفاع از ایالات متحده خواست که در کنار قدرت سخت بر قدرت نرم نیز سرمایه‌گذاری شود (Nye, 2017). به این ترتیب قدرت هوشمند یک ایده عمل‌گرایانه برای سیاست خارجی در شرایط بحرانی مورد توجه قرار گرفت.

اهمیت قدرت هوشمند به نظر نای در این است که اولاً موجب به رسمیت شناختن اشکال مختلف قدرت و ابزارهایی آن در پیگیری اهداف سیاست خارجی می‌شود. ثانیاً از نظر وی، قدرت هوشمند نه به‌عنوان یک انتخاب بلکه یک «رویکرد» برای استفاده از قدرت به حساب می‌آید. ثالثاً، قدرت هوشمند بر نهادها، مشارکت و هم‌چنین بر شرکا و متحدان نیز تأکید دارد؛ زیرا قدرت هوشمند از ماهیتی برخوردار است که به‌صورت انفرادی قابل حصول نیست (جعفری فر و ابوالحسن شیرازی، ۱۴۰۰: ۶۱). رابطه میان دو مؤلفه قدرت هوشمند یک رابطه پیچیده و تعاملی، درهم‌تنیده و هوشمندانه است. به طوری که این دو مؤلفه جایگزین کامل همدیگر نیستند بلکه اغلب یکدیگر را تقویت می‌کنند. قدرت هوشمند در فضای ترکیب دو قدرت سخت و نرم قرار دارد و از آنجاکه دولت‌ها بازیگرانی عاقل هستند، متعادل کردن عناصر قدرت سخت و نرم مستلزم نوعی ملاحظه، سنجش فرصت‌ها و موانع آتی و هم‌چنین برداشت درست است (جعفری فر و ابوالحسن شیرازی، ۱۴۰۱: ۲۵۰). بنابراین قدرت هوشمند برای استفاده از قابلیت‌های نظامی و غیرنظامی است و کمک می‌کند تا با طیف گسترده‌ای از ابزارهای موجود دیپلماتیک، اقتصادی، نظامی، سیاسی و حقوقی و فرهنگی با شرایط اقدام کنیم (کتابی و جعفری فر، ۱۴۰۲: ۱۴۷).



1. Approach

۳. بحران سوریه و قدرت هوشمند روسیه در قبال ترکیه

وقوع بحران سوریه از سال ۲۰۱۱ به منزله تبدیل شدن این کشور به کانون تقابل نیروهای داخلی و خارجی و حضور بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای است. در این بحران روسیه به‌عنوان مدافع رژیم اسد و ترکیه به‌عنوان اصلی‌ترین کشور مخالف منطقه‌ای ظاهر شد. باین‌حال تلاش روسیه این است که بتواند با قدرت هوشمند موضع ترکیه را تغییر داده و به تحکیم پایه‌های رژیم اسد کمک کند.

قدرت نرم روسیه در سوریه

سه رکن قدرت نرم نای عبارت‌اند از: ارزش‌های سیاسی، فرهنگ و سیاست خارجی. روسیه با منابع قدرت نرم تلاش دارد از نفوذ قدرت نرم ترکیه بکاهد. در ادامه سه رکن قدرت نرم نای دقیق‌تر مورد واکاوی قرار خواهند گرفت.

۱. ارزش

ارزش‌های سیاسی، نقش مهمی در سیاست خارجی ایفا می‌کنند. ترکیه که برای ارتقای جایگاه خود در نظام بین‌الملل خود را به‌عنوان یک کشور حامی ارزش‌های دموکراتیک و حقوق بشری سعی می‌کند نشان بدهد. اهمیت این رویکرد ترکیه در آن است که این کشور بعد از آنکه در سال ۱۹۵۲ با عضویت در سازمان پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو) به غرب نزدیک شد درخواست خود را برای عضویت در اتحادیه اروپا نیز سال ۱۹۸۷ اعلام کرده بود؛ امری که لازمه‌اش نه‌تنها پذیرش و اصلاح ساختار رسمی و قانونی ترکیه است بلکه حمایت از این ارزش‌های غربی در سیاست خارجی نیز است (ر.ک معراجی، ۱۳۹۹: ۲۴ و ۲۳). از این‌رو این امر می‌تواند زمینه اختلاف ترکیه و روسیه در حوزه ارزش‌های سیاست خارجی باشد چراکه این ارزش‌ها در راستای تلاش برای هماهنگی سیاست ترکیه با خواسته‌های اروپا و غرب است (MFA, 2021) یا در جلسه جی ۸ که در ژوئن ۲۰۰۴ ترکیه باهدف گفتگو درباره کمک به تقویت و تحکیم دموکراسی در منطقه خاورمیانه و آفریقای شمالی شرکت کرد (حسن‌پور، ۱۳۹۸: ۲۴). بنابراین با تبعیت از غرب این کشور از سال ۱۹۹۰ در روند تکامل دموکراسی و حقوق بشر طبق معیارهای سیاسی کپنهاگ (۱۹۹۳) اروپا به اصلاح قانون اساسی و ایجاد نهادهای جدید برای تقویت دموکراسی (۲۰۰۱)، لغو مجازات اعدام (۲۰۰۴)، اعطای حق فرهنگی به اقلیت کرد، تغییر در ترکیب شورای امنیت ملی، انتصاب یک غیرنظامی به‌عنوان دبیر کل شورا و مقررات افزایش برابری مردان و زنان (۲۰۰۴-۲۰۰۵) دست زد. (ر.ک ارغوانی پیر سلامی و همکاران،

۱۳۹۶:۱۳۵). از همین رو غرب از اصلاحات داخلی کشورها یا روی کار آمدن رژیم‌های همسو با ارزش‌های غربی حمایت می‌کند. همچنین وجود کشوری الگو مثل ترکیه برای کشورهای جهان اسلام مفیدتر و پذیرفتنی است چراکه تداعی‌گر این است که ارزش‌های غربی متعلق به جهان مسیحی نیست و ارزش‌های آن برای همه از جمله کشورهای اسلامی نیز قابل قبول است (حسن‌پور، ۲۶:۱۳۹۸). با وقوع بهار عربی ترکیه برای نزدیک شدن بیشتر به غرب از بحران سوریه بهره‌برداری کند. از همین رو، روسیه نگران نفوذ ترکیه در سوریه است. با این حال مواردی باعث بهره‌برداری سیاسی روسیه شد از جمله شرایطی که منجر به دور شدن ترکیه از غرب شد از جمله روند طولانی شدن عضویت این کشور در اتحادیه اروپا، انتقادات ترکیه از دوگانگی استانداردهای غرب در پذیرش اعضای جدید و از همه مهم‌تر توقف الحاق ترکیه از ۲۰۱۶ در کنار سرزنش اروپایی‌ها نسبت به برخورد اردوغان در کودتای سال ۲۰۱۶ که ضمن دیکتاتور خواندن اردوغان، سیاست او را نوعی دور شدن بیشتر از معیارهای اتحادیه اروپا برای حاکمیت قانون و حقوق اساسی می‌دانست. بدین ترتیب پارادایماتیک تلاش ترکیه برای دور شدن از غرب در بحران سوریه را در عدول توجه ترکیه به‌ویژه در ارزش‌های سیاسی و همسو با غرب دانست (Europarl, 2019; Kutlay & Öniş, 2021:1096). به‌طور کلی عدم تمایل غرب به مداخله نظامی در سوریه، نزدیک شدن دیدگاه ترکیه و روسیه در مورد دموکراسی، کاهش اعتبار غرب در ساختن نظام آینده سوریه و تمایل ترکیه و روسیه به ایجاد یک نظم بین‌المللی چندقطبی ترکیه را به روسیه نزدیک‌تر کرد.

۲. فرهنگ

سیاست نرم ترکیه در بحران سوریه معطوف به استفاده از ظرفیت‌های داخلی سوریه نیز بوده است و به همین منظور از بعد فرهنگ نیز تلاش کرده است تا در بحران استفاده کند. به‌صورت برجسته در بعد فرهنگ دو اقدام ترکیه برای ایجاد نامنی داخلی و سقوط بشار اسد قابل‌شناسایی شامل ایجاد تفرقه مذهبی (بین شیعه و سنی) و تأکید بر هویت قومی است (CRU Report, 2019:3) که در ادامه به هریک از آن‌ها پرداخته می‌شود.

۲-۱ تفرقه مذهبی (مردم سنی‌ها در برابر رژیم علوی):

ظرفیت‌های داخلی سوریه موجب می‌شود که ترکیه بخواهد از این فضا بهره بگیرد و در ایجاد تصور مشترک از دشمن از طریق ایجاد تفرقه مذهبی اقدام کند. با آغاز بحران در سال ۲۰۱۱ بسیاری از گروه‌های سنی مذهب از جمله در حلب، حمص و دمشق (به‌ویژه دوما و حرستا) به‌سرعت خود را علیه

رژیم علوی سازمان‌دهی کردند. آن‌ها با تأکید بر مسائل مذهبی و اعتقادی از جمله یادآوری ماجرای شهر حما در سال ۱۹۸۲ توانستند طیف‌های گسترده‌ای از اهل سنت را جذب کردند (رک دهقان و همکاران، ۱۳۹۵:۱۲۲). از همین رو است که با آغاز بحران در سوریه گزارش سازمان ملل در دسامبر ۲۰۱۲ بیان می‌دارد که درگیری در سوریه "ماهیت آشکارا فرقه‌ای" بین نیروهای دولتی عمدتاً علوی، شبه‌نظامیان و گروه‌های شورشی سنی به خود گرفته است. در سال ۲۰۱۳ همراه با گلوله‌باران و تخریب مراکز مذهبی شیعه بود و در سال ۲۰۱۴ خصومت‌های مذهبی تقریباً چهره آشکارتری داشت. در اکتبر ۲۰۱۵ ابومحمد الجولانی، رئیس جبهه النصره بیان داشت که برای تشدید نبرد و فشار بر اسد چاره‌ای جز هدف قرار دادن شهرها و روستاهای علوی و غیرنظامیان در لاذقیه نیست. از این‌رو در سال ۲۰۱۵ پرونده‌ای نیز در شورای حقوق بشر سازمان ملل در حمایت از علوی‌ها (به‌ویژه غیرنظامیان علوی در انصاری جبل در شمال شرق سوریه) مطرح شد (kirkensnodhjelp, 2016). در این راستا اردوغان حمایت از اخوان المسلمین را در دستور کار قرارداد (Phillips, 2020) اردوغان امید داشت تا گروه سنی اخوان المسلمین به قدرت برسد. دلایل این انتخاب به شرح زیر است:

۱. اخوان المسلمین یک جنبش اعتراضی سنی علیه حکومت سکولاریسم تحت سلطه علوی‌ها بوده است که آن‌ها فرقه علوی را مرتد می‌دانند و برای مشروعیت بخشی به ادعای خود به فتوای ابو حامد غزالی و ابن تیمیه تأکید دارند (عیسی زاده برقزن، ۱۴۰۰:۳۶).

۲. ترکیه در جریان تحولات تونس، مصر و لیبی، از مخالفان رژیم‌ها و از مردم حمایت کرد و در نهایت بیشترین آرا در تونس و مصر توسط اخوان المسلمین که بیشترین هم‌فکری را با نظام ترکیه داشت به دست آمد. اگر این تحول در سوریه و مانند آن نیز صورت گیرد، همفکران حزب عدالت و توسعه در اکثر کشورهای عربی روی کار خواهند آمد (ابراهیمی چمگردانی، ۱۳۹۱:۱۶۴)؛

۳. حمایت از احزاب اخوان المسلمین بر اساس محاسبات استراتژیک و هم بر اساس دلایل ایدئولوژیک ترکیه بود. در روزهای اولیه «بهار عربی»، احزاب اخوان المسلمین، سازمان‌یافته‌تر از سایر گروه‌ها، به نظر می‌رسیدند که موقعیت استراتژیک‌تری داشته باشند تا از تغییر بهره بیشتری ببرند و بنابراین «سرمایه‌گذاری» روی آن‌ها منطقی بود (Benli-Altunışık, 2016).

اقدامی که روسیه در برابر گروه مورد حمایت ترکیه یعنی اخوان المسلمین کرد در راستای ناکام گذاشتن ترکیه در رسیدن به اهداف خود در سوریه بود. تدوین قانون اساسی ۱۵ نفره، متشکل از نمایندگان دولت سوریه، مخالفان سوریه و جامعه مدنی سوریه، قرار بود متنی جدید برای قانون اساسی

سوریه تهیه کند. در مذاکرات قانون اساسی سوریه مسکو با دخالت اخوان مخالفت کرد و احمد سید یوسف، از هیئت مخالفان برای شرکت در مذاکرات قانون اساسی خارج شد. در نتیجه رجب طیب اردوغان، رئیس جمهور ترکیه، اگرچه از چگونگی پیش نویس منشور ملی جدید سوریه ناراضی بود، اما با اکراه با این روند موافقت کرد (Moubayed, 2015). پس در بحران مذاکرات سوریه، دولت ترکیه به دلیل فشارهای بین‌المللی، از مواضع خود در حمایت از اخوان المسلمین عقب‌نشینی کرد.

۲-۲ تقویت ترکمن‌ها در شمال غرب

مسئله قابل توجه در سوریه رابطه ترکیه با ترکمن‌های سوریه است؛ ترکمن‌ها در چندین کشور خاورمیانه پراکنده هستند اما بیشتر در سوریه و عراق متمرکز هستند. تصور می‌شود که جمعیت کل آن‌ها بین ۱,۵ تا ۳,۵ میلیون نفر باشد. از این تعداد، حدود ۱۰۰۰۰۰ تا ۲۰۰۰۰۰ احتمالاً در سوریه زندگی می‌کنند، که عمدتاً در شمال این کشور نزدیک مرز ترکیه هستند (Beauchamp, 2015). پیوستن واحدهای ترکمن سوریه به نیروهای مخالف سکولار سوریه، به‌ویژه برای ترکیه مهم بود. با شروع اعتراضات سوریه در سال ۲۰۱۱، ترکمن‌های سوریه با حمایت ترکیه شروع به سازمان‌دهی در حوزه‌های غیرنظامی و نظامی کردند. تا آن زمان ترکمن‌ها که عموماً در روستاهای حمص، لاذقیه، دمشق، رقه، حماه، ادلب و درعا، زندگی و کشاورزی می‌کردند، جامعه‌ای سیاسی و سازمان‌یافته‌ای نبودند. با آغاز بحران سوریه ترکمن‌های مقیم ترکیه ابتکار یک جنبش سیاسی باریشه‌های دیاسپورایی به دست گرفتند. مجمع ترکمن‌ها در جلسه‌ای در مارس ۲۰۱۳ با حضور رجب طیب اردوغان، نخست‌وزیر وقت، و داوداوغلو به‌طور رسمی تأسیس شد. در دومین جلسه مجمع که در ۹-۱۰ مه ۲۰۱۴ در آنکارا برگزار شد، یک مجمع قانون‌گذاری ۴۲ نفره و یک شورای اجرایی ۱۳ نفره از میان حدود ۳۵۰ نماینده انتخاب شدند و پارلمان ترکیه نیز مجمع ترکمن‌ها را به‌عنوان نماینده مشروع ترکمن‌ها به رسمیت شناخت. در مورد فعالیت‌های نظامی ترکمن‌ها، بسیاری از واحدهای مسلح پس از سال ۲۰۱۲ ایجاد شدند. واحدهای ترکمن در عملیات انفال در ۲۱ مارس ۲۰۱۴ توسط گروه‌های جهادی برای تصرف شهرهای ارمنی کسعب و صامرا شرکت داشتند (Tastekin, 2015). از مهم‌ترین اقدامات سیاست‌های ترکیه برای جلب ترکمن‌ها و تقویت جایگاه خود از نظر فرهنگی تعقیب سیاست ترک‌سازی در مناطق تحت اشغال یا حمایت خود است. در سال تحصیلی ۲۰۱۸-۲۰۱۹، در مناطق تحت نظارت آنکارا، دانش‌آموزان سوری زبان ترکی را به‌عنوان زبان دوم یاد می‌گیرند. زبان ترکی به‌عنوان یک درس اجباری در همه مقاطع، از مقطع ابتدایی تا متوسطه، در تمام مدارس شمال

غرب سوریه، بدون توجه به زبان‌های دیگر، به‌ویژه کردی، وارد برنامه درسی شد (Khalaf, 2018) در مجموع، اکنون بیش از دویست مدرسه دینی در مناطق تحت کنترل ترکیه فعالیت می‌کنند (Baker, 2021) ترکیه در مناطق تحت کنترل خود در سوریه، نام مکان‌های عمومی را با نام‌های ترکی تغییر داده است. این اقدام تلاشی برای تغییر هویت سوریه و ترویج ادعاهای ترکیه مبنی بر مالکیت تاریخی این مناطق است.

جدول ۲: اقدام ترکیه در نام‌گذاری‌های ترکی در سوریه

نام‌گذاری	محل
<ul style="list-style-type: none"> • میدان سرایا به میدان اردوغان تغییر نام داده است. • دوربرگردان کاوه الحداد به دوربرگردان شاخه زیتون تغییر نام داده است • پارک عمومی به پارک ملت عثمانی تغییر نام داده است. 	عفرین
<ul style="list-style-type: none"> • روستای کستال مقداد به سولجوک اویاسی تغییر نام داده است • روستای کوتانا به ظفر اویاسی تغییر نام داده است. 	اعزاز

منبع: (Baker, 2021)

اقدام دیگر ترکیه به‌غیر از آموزش و نام‌گذاری اماکن ترکی ادعای ارضی است؛ به‌عنوان مثال، محافل سیاسی و رسانه‌ای ترکیه مدام تکرار می‌کنند که الباب زمانی متعلق به عبدالحمید دوم، سلطان عثمانی بوده است. در اوت ۲۰۱۷، نوه او، اورهان عثمان اوغلو، گفت که سندی دارد که ثابت می‌کند مناطق شمال حلب و الباب به خانواده او تعلق دارند. این اقدامات ترکیه با انتقادات گسترده‌ای از سوی جامعه بین‌المللی مواجه شده است. بسیاری از کشورها این اقدامات را تلاشی برای تغییر هویت سوریه و ترویج ادعاهای ترکیه مبنی بر مالکیت تاریخی این مناطق می‌دانند (Baker, 2021)

واکنش روسیه برای مقابله با این سیاست‌ها این بود که در وهله نخست با عنوان مبارزه با تروریسم به بمباران مناطق ترکمن اقدام کرد این اقدام منجر به جابجایی اجباری ترکمن‌ها از مناطق ساکن شد امری که با واکنش رجب طیب اردوغان، رئیس‌جمهور ترکیه مواجه شد و بیان داشت که بارها گفته است که هیچ شبه‌نظامی داعش در لاذقیه و منطقه شمال آنکه هم توسط بمباران روسیه و هم توسط نیروهای دولتی سوریه هدف قرار گرفته‌اند، وجود ندارد. این مسئله ارتباطی به تنش با ترکیه از سال ۲۰۱۵ ندارد؛ سمیر علو نیز رئیس شورای عالی ترکمن‌ها در سوریه گفت که روس‌ها قبل از سرنگونی هواپیما روستاهای ترکمن‌نشین را به‌شدت بمباران می‌کردند (Stubbs & Pamuk, 2015). با این حال ترکیه آشکارا به روسیه درباره بمباران روستاهای ترکمن نشین هشدار داده بو و

سفیر روسیه در آنکارا را نیز احضار کرده بود. ارتش ترکیه در ماه نوامبر ۲۰۱۵ بر فراز یک منطقه ترکمن نشین در شمال غرب سوریه یک فروند سوخو-۲۴ ام روسیه را سرنگون کرد. سرنگونی سوخو-۲۴ روسیه نشان‌دهنده اهمیت ترکمن‌ها برای ترکیه در سیاست‌های آن در مورد سوریه است اما روسیه برای مقابله با سیاست‌های ترکیه از یک سو روابط خود را با کردها تقویت کرد و سپس با عملیات روسیه در منطقه ترکمن‌ها به تقویت خودپرداخت این امر می‌توانست ترکیه را وادار به مذاکره با روسیه کند. به نظر می‌رسد که هدف روسیه ایجاد یک کریدور از عین العرب به دریای مدیترانه است بنابراین، به گفته فرماندهان تیپ عبدالحمید هان، نیروهای روسیه و اسد در حال بمباران منطقه به‌منظور تخریب شهرک‌های غیرنظامی و اجرای اخراج اجباری هستند (DINCASLAN, 2015). بنابراین سیاست روسیه برای مهار ترکمن‌ها حملات نظامی و وادار کردن به کوچ اجباری آن‌ها است. بر اساس تخمین‌ها تعداد ترکمن‌های ساکن در منطقه شمالی لاذقیه قبلاً به ۳۰۰,۰۰۰ نفر می‌رسید. اما مورات کاواکدان، که به‌عنوان هماهنگ‌کننده بنیاد کمک‌های بشردوستانه فعالیت می‌کند، اعلام کرد که به دلیل جنگ داخلی از ۲۰۱۱ طی چهار سال تنها ۲۵۰۰۰ ترکمن باقی مانده‌اند. تحلیل رويترز نیز نشان می‌دهد که حدود ۸۰ درصد از هدف‌های روسیه در سوریه در سه هفته اول عملیات هوایی، علیه گروه‌هایی غیر از داعش بوده است. بدین ترتیب از ۲۰۰۰۰۰ تا ۳۰۰۰۰۰ ترکمنی که تخمین زده می‌شود قبل از جنگ در سوریه زندگی می‌کردند، تنها چند ده هزار نفر باقی مانده‌اند. تقریباً ۵۰۰۰ نفر در اثر حملات روسیه آواره شده‌اند و به دنبال پناهنده‌گی در مرز ترکیه هستند (Stubbs & Pamuk, 2015). روسیه پس از اطمینان خاطر از عدم سقوط بشار اسد برنامه‌های فرهنگی خود را در برابر ترکیه و غرب پیش برد؛ به خاطر حمایت روسیه از رژیم سوریه بود که به تصمیم دمشق مبنی بر گنجاندن زبان روسی در برنامه مدارس به‌عنوان زبان خارجی دوم منجر شد. این امر با حمایت مالی وزارت آموزش روسیه برای توسعه مجموعه‌ای از مواد آموزشی برای مطالعه روسی به‌عنوان یک زبان خارجی بوده است و در آستانه سال ۲۰۱۸، مجموعه‌ای از مواد آموزشی برای دانشگاه‌های سوریه نیز آماده شد (Hedclub, 2019). البته گنجاندن زبان روسی در برنامه‌های درسی در سوریه به‌صورت آزمایشی از سال تحصیلی ۲۰۱۴-۲۰۱۵ آغاز شد و توسط ۱۹۰ معلم در ۲۱۷ مدرسه در ۱۲ تدریس گردیده است (Fonte, 2022).

۳- سیاست خارجی

ترکیه یک کشور کلیدی منطقه‌ای است و موقعیت آن به‌عنوان شریک غرب در ناتو، موقعیت ژئواستراتژیک و میراث تمدنی آن‌هم از نظر وارث بودن امپراتوری عثمانی و هم از نظر ادعای رهبری

جهان ترک گواه بر اهمیت آن است (Wastnidge, 2019:8). سیاست خارجی ترکیه از سال ۲۰۰۲ تحت حاکمیت حزب عدالت و توسعه به طرز محسوسی تغییر یافت و تلاش کرد تا اولویت‌های سیاسی خود را فعال‌تر، چندبعدی‌تر و قاطع‌تر کند و با ایده داود اوغلو (۲۰۱۳) در قالب دو گفتمان عمق استراتژیک و «به صفر رساندن اختلاف‌ها با همسایگان» عرضه شد. طبق دکترین عمق استراتژیک ترکیه ارزش یک کشور در روابط بین‌الملل از موقعیت ژئواستراتژیک و عمق تاریخی آن نشئت می‌گیرد به علاوه با حل مشکلات خود با همسایگان و ایجاد روابط دوستانه با آن‌ها، می‌تواند به عنوان یک قدرت مرکزی در منطقه مطرح شود و اهمیت استراتژیک خود را در جهان افزایش دهد. (Işıksal, 2018:28؛ حیدری فیروزجایی، ۱۳۹۴:۱۰۵). تا قبل از بهار عربی، ترکیه در چارچوب سیاست نو عثمان‌گرایی در قالب دکترین عمق استراتژیک و سیاست به صفر رساندن مشکلات با همسایگان ترکیه روابط خود را بهبود بخشید اما با بروز بهار عربی ترکیه در عرصه عمل با تناقضات جدی در اجرایی کردن رویکردهای موردنظر خود روبرو شد. ابتدا ترکیه تلاش کرد در قالب دیپلماسی وارد عمل شود. وزارت خارجه ترکیه در ماه‌های اولیه از سوریه خواست تا یک برنامه اصلاحی سریع را انجام دهد که به نیازها و خواسته‌های شهروندان سوری می‌پردازد. اما با بی‌اعتنایی اسد مواجه شد؛ ترکیه انتظار داشت که اسد همچون تونس توسط مردم یا با مداخله بین‌المللی علیه قذافی در لیبی رژیم سوریه سرنگون شود پس عادی‌سازی روابط خود را با سوریه در ۳۰ نوامبر ۲۰۱۱ با اعمال تحریم‌های یک‌جانبه و تعلیق روابط در سطح عالی قطع کرد. (Arslantaş, 2013:59). به علاوه، از آن زمان ترکیه از مخالفان رژیم برای سقوط بشار اسد حمایت کرد. برخی از این اقدامات شامل برگزاری کنفرانس گذار به دموکراسی در ترکیه (۲۳ اوت ۲۰۱۲) و کمک به تشکیل شورای ملی و ارتش آزاد سوریه (۲۹ جولای ۲۰۱۲)، در اختیار گذاشتن مرزهایش و بندر اسکندرون به شورشیان، دادن آموزش‌های نظامی به آن‌ها، مشارکت فعال در اجلاس‌های ژنو ۱ و ۲ (۲۰۱۲ و ۲۰۱۴) است (حشمت زاده و همکاران، ۱۳۹۹:۳۹-۳۸). با انتشار تصاویر حمله شیمیایی به شورشیان سوری در نزدیکی دمشق توسط آمریکا در ۲۱ اوت ۲۰۱۳ ترکیه برای مداخله نظامی غرب در سوریه و تکرار سناریو لیبی امیدوار شد درحالی‌که آمریکا تلاش داشت از طریق دیپلماسی اجبار توأم با فشار و تهدید نظامی سوریه را تحت فشار قرار دهد. اما واکنش روسیه متفاوت از قضیه لیبی بود. پوتین نسبت به اقدام نظامی آمریکا در سوریه هشدار داد و به آن‌ها گفت: "ما برنامه‌های خود را داریم." (Borshchevskaya, 2022) او تاکید کرد که عملیات نظامی در سوریه می‌تواند به وضعیت پیچیده‌تر و ناپایدارتری در منطقه

منجر شود و باید به جای آن از راهکارهای دیپلماتیک برای حل بحران استفاده شود. (Edubirdie, 2022) روسیه در مدیریت این مسئله با هوشمندی عمل کرد. روسیه ابتدا طرح مشترک با آمریکا برای از بین بردن تسلیحات شیمیایی سوریه که شامل تعهد اسد به پیوستن به کنوانسیون بین‌المللی منع جنگ‌افزارهای شیمیایی و پذیرش قطعنامه ۲۱۱۸ شورای امنیت است را عملی ساخت (Averre & Davies, 2015:821) این امر موجب شد تا ترکیه از غرب ناامید شود. شکل‌گیری داعش در ۲۰۱۴ و ورود نظامی روسیه در سال ۲۰۱۵ اوضاع را به نفع بشار اسد تغییر داد.

سرنگونی جت روسی توسط نیروهای ترکیه در سال ۲۰۱۵ و اعمال تحریم اقتصادی، روابط دو طرف را تیره کرد. اما پس از ملاقات نظربایف با پوتین و دیدار اردوغان و پوتین در سال ۲۰۱۶، روابط بهبود یافت. مذاکرات آستانه در مورد جنگ داخلی سوریه بین دولت اسد و گروه‌های شورشی آغاز شد. مذاکرات آستانه به تقویت سازمان‌های تحت حمایت سازمان ملل کمک کند. با این حال، مخالفان سوری این نشست را تحریم کرده و ادعا کرده‌اند که این تلاش برای تضعیف روند ژنو است (see: Cornell, S. E., & Starr, 2020:62-71). حضور ترکیه در مذاکرات آستانه هرچند در سایه تلاش‌های قزاقستان نیز بود ولی چند عامل اصلی در تسهیل روابط ترکیه با روسیه مؤثر بود و باعث شد تا این کشور از موضع غربی برای سرنگونی بشار اسد کوتاه بیاید. نخست اینکه ۳۰ آوریل ۲۰۱۳ حزب‌الله لبنان وارد سوریه شد. دوم اینکه با اتهام سوریه مبنی بر استفاده از آن در ۲۱ اوت ۲۰۱۳ ترکیه، از آمریکا و غرب، انتظار حمله نظامی داشت ولی آمریکا اقدامی نکرد. به‌علاوه ۱۴ ژانویه ۲۰۱۴ کنترل شهر رقه در شمال سوریه را به دست آوردند و در پایان ماه ژوئن رسماً خلافت بر مناطق تحت اشغال خود در سوریه و عراق را اعلام کرد. در ۳ ژوئن ۲۰۱۴ اسد برای سومین بار به‌عنوان رئیس‌جمهوری سوریه انتخاب شد و در ۳۰ سپتامبر ۲۰۱۵ روسیه وارد جنگ شد و به‌علاوه ۲۶ ژوئن ۲۰۱۶ مبارزان کرد سرانجام داعش از شهر کوبانی در مرز ترکیه و سوریه بیرون کردند. این پیروزی، واحدهای مدافع خلق را به بازیگر اصلی کرد در سوریه تبدیل کرد و باعث شد که بسیج ملی‌گرایی کرد در سوریه، افزایش یابد (Euronews, 2019) به علاوه پس از کودتای نافرجام ژوئیه ۲۰۱۶ و پس از اینکه اردوغان ادعا کرد که آمریکا در آن همدست بوده است موجب اختلاف دو کشور شد. ترکیه با به حاشیه راندن سازمان ملل و به‌استثنای آمریکا، در روند آستانه به روسیه پیوست؛ به‌علاوه در پی کودتای نافرجام سال ۲۰۱۶، ارتش ترکیه بسیاری از افسران وابسته به جنبش گولن از ارتش پاک‌سازی شدند. بدین ترتیب، دولت عدالت و توسعه به قدرت کامل بر ارتش دست‌یافت و این تحولات، مانع استفاده فعال

ارتش ترکیه در میدان سوریه را پس از سال ۲۰۱۶ بر طرف کرد؛ ترکیه برای رفع نگرانی خود از عملیات علیه پ.ک.ک. منافع خود را در نزدیک شدن به روسیه دید. چنانچه بعداً روسیه درباره آغاز عملیات سپر فرات در ۲۴ اوت ۲۰۱۶ توسط ترکیه مقابله مستقیم و جدی نکرد (Karaca & Köksal, 2022: 54; Phillips, 2020; Insightturkey, 2019). به علاوه ۲۲ دسامبر ۲۰۱۶ رژیم بشار اسد به کمک ایران و روسیه از بازپس گیری کامل حلب خبر داد که منجر شد تا در ۳۰ دسامبر ۲۰۱۶ بر اساس توافقی که با حمایت روسیه و ترکیه و در غیاب آمریکا منعقد شده و آتش بس به اجرا گذاشته شد و در نهایت ۹ مارس ۲۰۱۷ دونالد ترامپ به عنوان بخشی از تلاش برای بازپس گیری شهر رقه از نیروهای داعش، برنامه های نظامی برای تجهیز واحدهای مدافع خلق را تأیید کرد؛ این حرکت خشم ترکیه را در پی داشت (Euronews, 2019). از همین رو است که زمینه همکاری روسیه و ترکیه در سوریه منجر به تعدادی توافقنامه اساسی و همچنین مکانیسم های مذاکره اش که ترکیه را بیش از پیش به روسیه نزدیک کرد. سازوکار سه گانه آستانه ۲۴ ژانویه ۲۰۱۷؛ توافق بر سر ایجاد مناطق کاهش تنش در ماه مه ۲۰۱۷، دو توافقنامه سوچی در سپتامبر ۲۰۱۸ و اکتبر ۲۰۱۹، و همچنین توافق مارس ۲۰۲۰ درباره ادلب، از مهم ترین موارد در این مسیر هستند.

جدول ۳: مکانیسم های مذاکره و همکاری روسیه و ترکیه

نوع مکانیسم / توافق	مفاد مذاکرات
سازوکار سه گانه آستانه ۲۴ ژانویه ۲۰۱۷	<ul style="list-style-type: none"> • سازوکاری برای حمایت و نظارت بر آتش بس ایجاد شد. • این یک پلت فرم مذاکره جایگزینی برای مذاکرات ژنو است. • شالوده این فرآیند طی یک نشست سه جانبه در مسکو در ۲۰ دسامبر ۲۰۱۶ گذاشته شد.
توافق بر سر ایجاد مناطق کاهش تنش در ماه مه ۲۰۱۷،	<ul style="list-style-type: none"> • طرفین توافق کردند که از حملات هوایی و توپخانه ای به مناطق کاهش تنش خودداری کنند. • طرفین توافق کردند که از ورود نیروهای نظامی جدید به مناطق کاهش تنش خودداری کنند. • سه کشور به مبارزه با داعش، جبهه النصره و القاعده در داخل و خارج از مناطق کاهش تنش ادامه دهند.
توافقنامه سوچی در سپتامبر ۲۰۱۸	<ul style="list-style-type: none"> • ترکیه و روسیه توافق کردند که پست های دیده بانی ترکیه در ادلب حفظ شود. • روسیه اقداماتی را برای اطمینان از حفظ وضعیت موجود در استان و جلوگیری از حملات انجام خواهد داد. • طرفین بر ایجاد یک منطقه غیر نظامی به عمق ۱۵ تا ۲۰ کیلومتر در منطقه کاهش تنش توافق کردند. • تمام تشکیلات تروریستی تا ۱۵ اکتبر از منطقه غیر نظامی خارج شوند. • تمام توپخانه های سنگین همه طرف های درگیر تا ۱۰ اکتبر از منطقه غیر نظامی شده خارج شوند. • نیروهای مسلح ترکیه و پلیس نظامی نیروهای مسلح روسیه گشت زنی هماهنگ را در محدوده یک منطقه

<p>غیرنظامی انجام خواهند داد.</p> <p>• احیای ترافیک ترانزیتی در بزرگراه‌های M4 و M5 تا پایان سال ۲۰۱۸</p>	
<p>• ترکیه و روسیه توافق کردند که وضعیت موجود را در منطقه عملیات چشمه صلح، که تل ابیض و رأس العین را در برمی‌گرفت، با مسافت ۳۲ کیلومتر برقرار کنند.</p> <p>• ترکیه و روسیه بر اهمیت توافق آدانا تأکید کردند و روسیه مسئولیت اجرای آن را بر عهده گرفت.</p> <p>• پلیس نظامی روسیه و گارد مرزی سوریه در امتداد سمت سوریه از مرز سوریه و ترکیه (خارج از منطقه عملیات چشمه صلح) برای حذف و خلع سلاح عناصر PKK/YPG تا فاصله ۳۰ کیلومتری وارد خواهند شد.</p> <p>• گشت‌های مشترک روسیه و ترکیه در غرب و شرق منطقه عملیات چشمه صلح انجام خواهد شد.</p> <p>• ترکیه و روسیه توافق کردند که تمامی عناصر YPG از منبج و تل رفعت خارج شوند.</p>	<p>توافق نامیه سوچی اکتبر ۲۰۱۹</p>
<p>• در ۵ مارس ۲۰۲۰، ترکیه و روسیه بر سر آتش‌بس در منطقه کاهش تنش ادلب و ایجاد یک کریدور امنیتی در فاصله ۶ کیلومتری شمال و ۶ کیلومتری جنوب از بزرگراه M4 توافق کردند.</p> <p>• گشت زنی مشترک ترکیه و روسیه در امتداد بزرگراه M4 را در ۱۵ مارس ۲۰۲۰ پیش‌بینی کرده بود.</p>	<p>توافق مارس ۲۰۲۰ دربار ادلب</p>

منبع: (İpek & Çağatay Güler, 2021)

بدین ترتیب مجموعه‌ای از عوامل داخلی در سوریه و ترکیه در چرخش سیاست خارجی ترکیه و نزدیک شدن این کشور به روسیه تأثیرگذار بوده است.

قدرت سخت روسیه در برابر ترکیه

قدرت سخت نظامی

اگرچه افزایش سرکوب رژیم اسد آنکارا را متقاعد کرد که از مخالفان بشار اسد حمایت کند اما سناریوی ترجیحی آنکارا مداخله نظامی به رهبری آمریکا و سرنگون سازی بشار اسد بود نه حمایت از یک شورش نوپا که درگیر یک جنگ طولانی داخلی شوند. با این حال ترکیه خود را در شرایطی یافت که مرکز لجستیک اصلی شورشیان تبدیل شود. از این رو کشتی‌های باری و حمل و نقل هوایی که از لیبی، سودان و بعداً بالکان سلاح‌هایی را از طریق کیلیس و ریحانلی وارد سوریه کردند. در اوایل ۲۰۱۴ رئیس اطلاعات ترکیه هاگان فیدان در جلسه غیرعلنی اعلام کرد که سازمان او ناظر عبور ۲۰۰۰ کامیون حامل تجهیزات نظامی بوده است. ترکیه زیرساخت‌های نظامی خود را به روی برنامه وسیع سیا که به نام چنار الواری (برای ارسال سلاح به شورشیان میانه‌رو گشود و در سال ۲۰۱۴ ترکیه خانه مرکز عملیات مشترک که یک اتاق عملیات چندملیتی به رهبری سیا بود تبدیل شد. واگذاری اداره مناطق کردنشین

¹ Timber Sycamore

عفران، کوبانی و قامشلی به وای پی جی بود. مداخله نظامی آمریکا علیه داعش در سپتامبر ۲۰۱۴ ناامیدی دیگری برای انکار بود که نتوانست واشنگتن را به اعمال منطقه پرواز در شمال سوریه متقاعد کند. (see: Pierret, 2021: 1-4). ترکیه تلاش داشت تا کنترل منطقه‌ای را فراتر از مرز جنوبی خود ایجاد کند تا از تجمع نیروهای پکک در نزدیکی خاک خود جلوگیری کند. با این حال عملیات ترکیه در خاک سوریه اقدامی جسورانه به نظر می‌رسید که نمی‌توانست روسیه را بدون واکنش بگذارد اما چند عامل را می‌توان نوعی چراغ سبز روسیه به ترکیه دانست. نخست اختلافات ترکیه با غرب بود، ترکیه گروه یگان‌های مدافع خلق (YPG) را شاخه سوری حزب کارگران کردستان (PKK) می‌دانست که یک گروه تروریستی است اما آمریکا آن را یک گروه شبه‌نظامی دموکراتیک می‌دانست که در مبارزه با داعش نقش مهمی دارد دوم، از نظر مسکو فرصت مناسبی برای تقویت موقعیت استراتژیک مسکو از طریق استفاده از ترکیه و تشویق به جدایی استراتژیک بین آنکارا و واشنگتن بود (OSW, 2016). در پشت چراغ سبز روسیه برای عملیات شاخه زیتون ترکیه (۲۰ ژانویه ۲۰۱۸) نیز چندین اهداف استراتژیک بود. با توجه به اینکه شمال سوریه پس از پاک‌سازی از داعش، توسط آمریکا از طریق شبه‌نظامیان کرد پ.ی. د کنترل می‌شد قبل از آغاز عملیات نظامی ترکیه در عفرین، خلوصی آکار، رئیس ستاد نیروهای مسلح ترکیه و هاکان فیدان، رئیس سازمان اطلاعات ملی ترکیه در مسکو دیدار کردند. در این دیدار سرگئی شویگو وزیر دفاع روسیه از آنکارا گسترش عملیات تا مناطق منچ و قامشلی که در اختیار شبه‌نظامیان کرد وابسته به آمریکا کرد؛ اما ارتش ترکیه پس از تصرف عفرین و کنترل این منطقه با نگرانی از واکنش آمریکا به سمت جنوب پیشروی کرد که روسیه ضمن ارسال پیام توقف عملیات اجازه نداد که ترکیه کنترل شهر تل رفعت را به دست بگیرد (پاکزاد، ۱۳۹۷: ۶۴). در برابر عملیات سوم ترکیه یعنی چشمه صلح روسیه برای عدم رویارویی ترکیه با رژیم بعد از توافق در سوچی موافقت کرد که ترکیه برای مقابله با کردها در ادلب اقدام کند اما برای مهار ترکیه در ۳ ژوئن ۲۰۲۲، دو فروند هواپیمای باری نظامی روسیه از نوع ایلوشین ایل-۷۶ از فرودگاه نظامی حمیمیم لاذقیه بلند شدند و خودروهای نظامی و ۳۰۰ سرباز روسی را به منطقه قامشلی، تحت کنترل نیروهای کرد، در شمال شرقی استان الحسکه در شرق فرات، منتقل کردند. در ۸ ژوئن، ارتش روسیه یک سامانه دفاع هوایی کوتاه و میان برد پانتسیر-اس ۱ را به منطقه قامشلی منتقل کرد. همچنین دو تانک، یک سیستم رادار، یک توپ

¹ Hakan Fidan

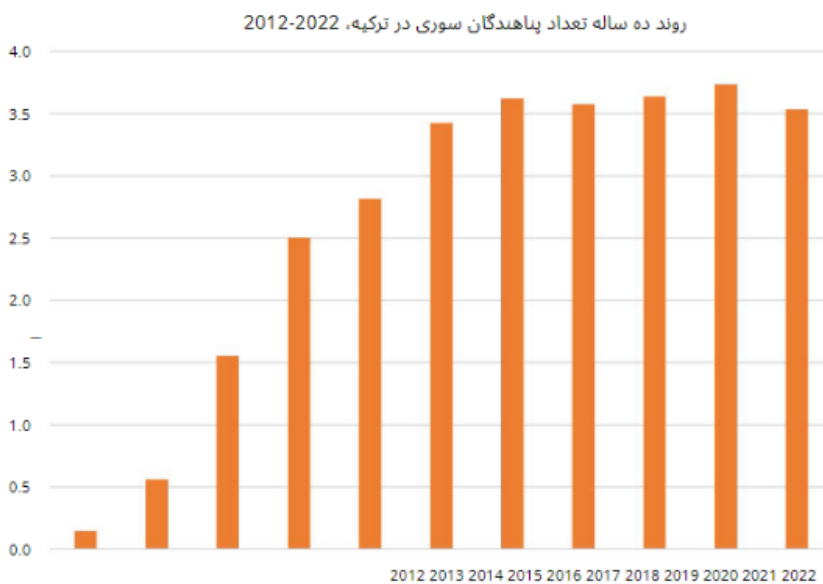
² Sergey Shoygu

ضد هوایی از نوع دوچکا و هشت خودروی زرهی نفربر به پایگاه تل تامیر واقع در خط مقدم جنوب شرقی عملیات چشمه صلح تحویل داده شد. علاوه بر این، تعداد سربازان ارتش روسیه در عین عیسی، تل تامیر، منیج، عین العرب و قامشلی نیز افزایش یافت (Musa & Koparan, 2022) عملیات چهارم و حضور نظامی ترکیه در ادلب (۲۰۲۰) ترکیه به جای آغاز مداخله نظامی و دستیابی به اهداف خود در زمان مشخص، به تدریج نیروهای خود را پس از توافق ۲۰۱۷ با روسیه و ایران در آستانه افزایش داد و به این ترتیب پست دیده بانی برای نظارت بر آتش بس برقرار کرد. ترکیه نگران بود که هرگونه عقب نشینی از خطوط مقدم نه تنها ادلب بلکه مناطق عفرین، اعزاز، طرابلس و الباب را از دست ترکیه خارج کند، پس تعداد نیروهای خود را ۱۰ تا ۱۵ هزار نیرو در شمال بزرگراه M4 و منطقه جبل الزاویه در حومه جنوبی استان ادلب افزایش داد تا به حفظ وضعیت موجود و بازدارندگی در برابر ارتش سوریه اقدام کند (Kizilkaya e,tal,2021:237-238). با این حال روسیه اقداماتی برای مهار ترکیه در نظر گرفت و میدان کش آن را محدود می کرد. از آنجاکه روسیه تأکید داشت که حضور ترکیه در خاک سوریه خارج از حد توافق غیرقانونی است و هر اقدامی که انجام شود باید بر اساس توافقات سوچی و آستانه و با دولت رسمی سوریه باشد در نتیجه ترکیه را بیشتر نگران اقدامات علیه خود می کرد (TOL, 2017). عملیات روسیه در جهت تضعیف موقعیت ترکیه و به زحمت انداختن آن در سوریه بود؛ از سال ۲۰۱۹، حملات هوایی روسیه و حملات موشکی بالستیک، زیرساخت های نفتی مانند بازارهای نفت، پالایشگاه های نفت و تانکرهای نفت را در مناطق تحت ترکیه در سوریه هدف قرار داد. حتی روسیه با افتتاح یک کریدور امن در ابوزیندان در نزدیکی الباب - برای فرار غیرنظامیان به مناطق تحت کنترل رژیم می خواست نشان بدهد تا چه میزان مردم راغب به دور شدن از ترکیه و آمدن به مناطق تحت رژیم سوریه هستند (OZKIZILCIK, 2017). در فوریه ۲۰۲۰، زمانی که ۳۳ نیروی ترکیه در حملات هوایی در استان ادلب - آخرین نقطه مقاومت ضد رژیم در سوریه - کشته شدند، اردوغان مجبور شد وانمود کند که روسیه در آن دخالت ندارد. او به سادگی هیچ علاقه ای به تشدید تنش های نظامی با مسکو نداشت (Taşpınar, 2021). روسیه یک مرکز سوخت و پارکینگ کامیون را در ۲۱ مارس ۲۰۲۱ با هوایمای جنگی و موشک بالستیک زد تا به آنکارا یادآوری کند می تواند در شهرهای رقه و سرمد در مرز ترکیه که اردوگاه پرجمعیت پناهندگان است شرایط اقتصادی و امنیتی را بدتر کند (Kizilkaya e,tal,2021:237-238).

اقتصادی

یکی از مهم‌ترین عواملی که باعث شد تا ترکیه از سال ۲۰۱۶ سیاست‌های خود را تغییر بدهد. تأثیر قابل توجهی بحران سوریه بر اقتصاد ترکیه است در راستای سیاست صفر مشکلات با همسایگان روابط خوبی با دولت اسد برقرار کند اما با شروع بحران نه تنها این روابط کاهش پیدا کرد بلکه ترکیه‌های هزینه‌های متعددی را نیز متحمل شد. حجم تجارت بین دو کشور در سال ۲۰۱۲، این حجم به تنها ۴۹۷ میلیون دلار رسید در حالی که در سال ۲۰۱۰ صادرات ترکیه ۱٫۸ میلیارد دلار بود؛ از سوی دیگر در سال ۲۰۱۴، میزان نفت قاچاق از سوریه که از مرزهای ترکیه عبور می‌کرد، به ۴۰۰ تا ۵۰۰ هزار تن در سال رسید. در سال ۲۰۱۰ نیز اداره مدیریت بلایا و اضطراری ترکیه (AFAD) سالانه حدود ۳۹۵ میلیون دلار هزینه می‌کرد. این هزینه‌ها در سال ۲۰۱۱ به بیش از ۷۵ درصد افزایش یافت و به ۱٫۵ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۱ و ۱٫۷ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۲ رسید (Akmehmet, 2015) به گفته مهمت شیمشک وزیر دارایی در سال ۲۰۱۵ تنها ۲۰۳ میلیون لیره برای ایجاد سیستم امنیت فیزیکی مرزی به وزارت دفاع ملی اختصاص داده شد (Trthaber, 2015). همچنین سیاست‌های مرزی آنکارا در سال ۲۰۱۳ شروع به تشدید کنترل مرزی کرد. بین سال‌های ۲۰۱۵ تا ۲۰۱۸، در حالی که درگیری‌ها در امتداد مرز ترکیه متمرکز شد، آنکارا سومین دیوار طولانی جهان (۹۱۱ کیلومتر) را پس از دیوار بزرگ چین و در مرز ایالات متحده و مکزیک را ساخت (TOKMAJYAN & KHADDOUR, 2022) این افزایش هزینه‌ها نتیجه مستقیم جنگ داخلی سوریه بود. در خصوص هزینه نظامی نیز سال ۲۰۱۰، حدود ۱۷ میلیارد دلار بود. در سال ۲۰۱۴، هزینه‌های نظامی ترکیه به ۲۲٫۶ میلیارد دلار رسید، که نشان‌دهنده افزایش ۲۵ درصدی نسبت به سال ۲۰۱۰ است. برای تأمین مالی خدمات اطلاعاتی و دفاعی محرمانه در مارس ۲۰۱۵، پارلمان ترکیه نیز یک صندوق مخفی به ریاست جمهوری اعطا کرد که نزدیک به ۲۰۰ میلیون دلار بود. تنش با سوریه تبعات اقتصادی دیگری مثل حوزه گردشگری نیز داشت. یکی از مهم‌ترین بخش‌های تحمیل هزینه پناهندگان بودند. تعداد پناهجویان ثبت شده در ترکیه از چند ده هزار نفر در اوایل سال ۲۰۱۲، به ۱۵۰۰۰۰ نفر در پایان سال رسید، در ژانویه ۲۰۱۴ تقریباً چهار برابر شد و تا ابتدای سال ۲۰۱۸ به ۳٫۶ میلیون نفر افزایش یافت. کمتر از ۶۰ درصد آن‌ها در نزدیکی مرز سوریه زندگی می‌کنند و ۱۵ درصد آن‌ها در استانبول زندگی می‌کنند (TOKMAJYAN & KHADDOUR, 2022). تا قبل از چرخش سیاست خارجی ترکیه مخالفین حزب عدالت و توسعه ضرر ناشی از بحران در حوزه توریسم و پناهندگان

سوری را در حدود ۱۷ میلیارد دلار بیان می‌کنند که طبق برآوردها ۵,۵ میلیارد دلار برای پناهندگان سوری هزینه کرده است (مسعود نیا و عالی‌شاهی، ۱۳۹۶:۱۹۸).



منبع: (Tumen, 2023:3)

بر اساس برآوردهای مؤسسه خدمات یونایتد سلطنتی بریتانیا روسیه تا قبل از سقوط جت روسی در ۲۰۱۵ آن زمان روزانه حدود ۴ میلیون دلار برای عملیات سوریه هزینه می‌کرد، اما پس از حادثه در ترکیه، هزینه‌های روزانه به ۸ میلیون دلار افزایش یافته است. با افزودن هزینه‌های لجستیک، ارتباطات و اطلاعات به این فهرست ۲۵۰ هزار دلار دیگر در روز اضافه می‌شود. پس با در نظر گرفتن بودجه سال ۲۰۱۶ برای عملیات نظامی در سوریه، ۲,۰۳ میلیارد دلار که برای پوشش هزینه‌های عملیات نظامی روسیه در سوریه کافی به نظر نمی‌رسد (AA, 2016). بهترین گزینه کاستن بار اضافی هزینه‌ها با کاهش تنش‌ها است.

نتیجه‌گیری

بحران سوریه، یکی از پیچیده‌ترین بحران‌های منطقه‌ای در سال‌های اخیر بوده است. این بحران از سال ۲۰۱۱ آغاز شد و تأثیر قابل توجهی بر تحولات منطقه‌ای و بین‌المللی گذاشت. در این بحران، بازیگران مختلفی از جمله ایران، ترکیه، روسیه، آمریکا و اتحادیه اروپا نقش آفرینی کرده‌اند. روسیه، یکی

از بازیگران اصلی بحران سوریه در حمایت از بشار اسد نقش مهمی را ایفا کرده است همچنان که در مقابل ترکیه، یکی از مخالفان سرسخت رژیم اسد نقش مهمی را در تقویت مخالفان داشته است. مقابله روسیه با ترکیه در سوریه بر اساس قدرت هوشمند شکل گرفت که در آن روسیه تلاش کرده است تا سیاست‌های ترکیه در سوریه را خنثی کند. از آنجاکه قدرت نرم شامل ارزش، فرهنگ و سیاست خارجی است و قدرت سخت شامل قدرت نظامی و اقتصادی می‌شود روسیه در این پنج بعد سیاست‌های خود را تنظیم کرد. همان‌طور که مقاله نشان داد اهداف اصلی روسیه از اتخاذ قدرت هوشمند حفظ اسد، نزدیک کردن ترکیه به سمت خود بود. روسیه نسبت به ارزش‌هایی که ترکیه به‌عنوان متحد غرب و علاقه‌مند به پیوستن به اتحادیه اروپا احساس خطر می‌کرد چراکه اروپاییان موفق شده بودند این کشور را وادار به انجام اصلاحات بر طبق ارزش‌های غربی کنند بنابراین سقوط بشار اسد می‌توانست ترکیه را کاتالیزور ترویج ارزش‌های غربی در سوریه کند. با این حال فرصت تنش بین ترکیه و غرب به‌ویژه بعد از توقف بررسی پیوستن این کشور به اتحادیه به دنبال سیاست سرکوب کودتا توسط اردوغان در سال ۲۰۱۶ زمینه مناسبی برای فاصله گرفتن ترکیه از غرب و تقویت دیدگاه مداخله غرب از ارزش‌های در امور سایر کشورها را فراهم ساخت؛ امری که روسیه خود را مترصد استفاده از این شرایط می‌دانست. ترکیه با درک عدم اقدام نظامی غرب علیه سوریه نیز متوجه شد آینده سوریه با ارزش‌های غربی رقم نخواهد خورد. به‌علاوه این کشور نیز مثل روسیه دو دیدگاه مشترک داشت نخست اینکه ارزش‌های غربی مثل حق تعیین سرنوشت می‌تواند در سوریه بيم تجزیه‌طلبی یا آشوب داخلی را فراهم سازد و دوم اینکه جهان روند پسا غربی را در پیش گرفته بنابراین کشورها سیاست‌های چندجانبه‌گرایانه و مستقل خود را بر اساس منافع خود پیش می‌برند.

در بعد فرهنگی ترکیه دو اقدام انجام داد که روسیه در مقابل آن‌ها ایستادگی کرد. مورد نخست ایجاد تفرقه سنی و شیعی بود که نقطه تمرکز اصلی ترکیه به قدرت رسیدن اخوان المسلمین به‌عنوان یک گروه سنی به‌جای رژیم علوی بود. روسیه با تدوین قانون اساسی جدید اخوان المسلمین را از صحنه سیاسی سوریه خارج کرد و به گروه‌های اسلام‌گرای افراطی مانند اخوان المسلمین مجوز فعالیت نداد. قانون اساسی جدید بر حاکمیت دموکراتیک و سکولار سوریه تأکید دارد و احزاب سیاسی را موظف می‌کند که به قانون اساسی و ارزش‌های دموکراتیک پایبند باشند. قانون اساسی جدید سوریه، فعالیت‌های اخوان المسلمین را در این کشور ممنوع کرده است. این قانون همچنین به دولت سوریه اختیار می‌دهد تا اعضای اخوان المسلمین را دستگیر و محاکمه کند. با تصویب قانون اساسی جدید،

اخوان المسلمین عملاً از صحنه سیاسی سوریه حذف شد. این امر به دولت سوریه کمک کرد تا کنترل خود را بر کشور بازیابد و به روند بازسازی سوریه سرعت بخشد.

در مؤلفه دوم قدرت نرم یعنی فرهنگ روسیه با استفاده از فرهنگ خود، تلاش کرده است تا نفوذ خود را در میان مردم سوریه افزایش دهد از جمله تقویت زبان روسی و اعطای بورسیه‌ها. علاوه بر آن روسیه با آگاهی از سیاست تفرقه انداختن بین شیعی و سنی در سوریه برای روی کار آوردن اخوان المسلمین توانست این سیاست را در تدوین قانون اساسی سوریه و حذف اخوان المسلمین خشی کند. از سوی دیگر ترکیه که به دنبال ترکی سازی بخش‌های شمال شرقی سوریه بود از طریق تقویت همکاری روسیه با کردها در شمال شرق و همچنین بمباران و جابجایی‌هایی که در شمال غرب انجام می‌شد رو به تضعیف رفت.

در بعد سیاست خارجی روسیه به دنبال ایجاد دیدگاه مشترک با ترکیه برآمد تا بتواند این حامی مخالفان را به سمت خود جلب کند. بر همین اساس از اختلاف بین ترکیه و آمریکا، ضعف حمایت غرب از مخالفان، خطر پیشروی داعش در سوریه و پیروزی‌های میدانی در سویه توانست ترکیه را به این نتیجه برساند که رژیم اسد سقوط نخواهد کرد و به سمت استقرار و تقویت در حال حرکت است و از سوی دیگر مخالفان اسد نیز از مواضع خود عقب‌نشینی کرده‌اند بنابراین ترکیه در این شرایط منزوی نمی‌تواند به هدف سیاست خود در سرنگونی اسد دست یابد. در این میان ترکیه به‌جای بازیگری مخرب در سوریه می‌تواند به‌عنوان بازیگری فعال در مذاکرات صلح حاضر شود؛ امری که موجب شد تا ترکیه نیز به این اقدام دست زند. باید گفت مسکو با تکیه گسترده به ابزارهای نرم برای تغییر وقایع به نفع اسد در میدان سوریه زمینه‌ناامیدی از سقوط بشار اسد و در نتیجه تسهیل روند مذاکرات آستانه و اجلاس‌های سه‌جانبه را تقویت کرد تا اهمیت دیپلماسی در حل و فصل بحران یک‌راه حل نهایی به نظر برسد.

در بعد قدرت سخت که شامل قدرت نظامی و اقتصادی است روسیه تلاش داشت تا هزینه‌های جنگ را برای ترکیه بالا ببرد. از همین رو ترکیه نسبت به مداخله نظامی در سوریه بسیار نگران بود چراکه واکنش روسیه و حامیان رژیم بشار اسد می‌توانست هزینه زیادی بر آن وارد سازد. تجربه عدم حمله نظامی غرب علی‌رغم هشدارهایی که نسبت به استفاده از سلاح‌های شیمیایی داده بود نیز ترکیه را نمی‌توانست به حمایت غرب دلگرم کند. از سوی دیگر نگرانی‌های امنیتی ترکیه نسبت به کردها در جنوب باعث شد که ایده سقوط بشار اسد را با مقابله با کردها

جایگزین کند. برای این منظور با روسیه به تفاهم رسید و چراغ سبز عملیات را توانست بدون واکنش تقابلی روسیه انجام بدهد. این مسئله در زمانی که ترکیه از حمایت آمریکا از کردها ابراز ناخرسندی می‌کرد زمینه مناسبی برای نزدیک شدن به روسیه بود.

مورد آخر اقتصادی است؛ باید گفت بحران سوریه موجب شد تا ضربه اقتصادی سختی به ترکیه وارد شود که در راستای سیاست مشکلات صفر با همسایگان دنبال سرمایه‌گذاری و تجارت با سوریه بود. از همین رو ترکیه چه در بعد گردشگری، تدابیر امنیتی و همچنین حفاظت از مرزها دچار هزینه‌های چند برابری نسبت به پیش از آغاز بحران سوریه شد. در همین راستا سیل آوارگان و مهاجران سوری به سمت ترکیه موجب تحمیل هزینه‌هایی بر ترکیه شد که در صورت تشدید بحران می‌توانست به صورت تصاعدی افزایش یابد از همین رو ترکیه منافع اقتصادی خود در نظر گرفت. روسیه نیز که به دنبال افزایش هزینه‌های نظامی خود در سوریه نبود از سیاست جلب ترکیه به سمت خود می‌توانست فرصت صرفه‌جویی در هزینه‌ها را برای خود ایجاد کند و در عین حال از اصل هدف خود که حفظ بشار اسد نیز اسد دور نشود. بدین ترتیب حضور روسیه در سوریه و دفاع آن از بشار اسد به منزله این بود که ترکیه در محاسبات هزینه-فایده ادامه روند تنش را به نفع خود نبیند به‌ویژه آنکه کشورهای اروپایی نیز در جبران هزینه‌ها از خود جدیت واقعی نشان نمی‌دادند. بنابراین وضعیت به سمتی پیش رفت که ترکیه خود را برای آینده سوریه و امکان سرمایه‌گذاری و صادرات کالا در عین فرصت بازسازی ویرانه‌های سوریه را برای خود از طریق حفظ رژیم بشار اسد ببیند. بدین ترتیب روسیه توانست ترکیه را در سوریه با اهداف و مواضع خود تا حد زیادی همسو کند هرچند اختلافات و رقابت‌های دو کشور همچنان پابرجا است.

منابع

- ابراهیمی چمگردانی، حمیدرضا (۱۳۹۱). نقش ژئواستراتژیک بر روابط دو کشور ترکیه و سوریه از سال ۲۰۰۲-۲۰۱۱، پایان نامه ارشد دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی.
- ارغوانی پیر سلامی، فریبرز؛ صالحی، سید جواد؛ ایمانی، امیر (۱۳۹۶). مؤلفه‌های ثبات و تهدید در روند دموکراسی ترکیه: ریشه‌یابی الگوی نوسازی دموکراتیک، پژوهش‌های راهبردی سیاست، ۶(۲۲)، ۱۱۷-۱۴۵.
- جدیدی، علی؛ موسوی، سید محمدرضا؛ صالحی، وحید (۱۴۰۱). قدرت نرم و سیاست خارجی ایران در قبال تحولات کشور سوریه از ۲۰۱۱ تا ۲۰۲۲، مطالعات قدرت نرم، ۱۲(۳)، ۱۸۴-۱۶۳
- جعفری فر، احسان؛ ابوالحسن شیرازی، حبیب‌اله (۱۴۰۰). سیاست خارجی روسیه در سوریه از منظر قدرت هوشمند، پژوهش‌های بین‌الملل، ۱۱(۴۳)، ۵۷-۸۵
- حسن پور، فروزان (۱۳۹۸). نقش اصلاحات سیاسی و اقتصادی دولت اردوغان در روند پیوستن به اتحادیه اروپایی، پایان نامه ارشد دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات.
- حیدری فیروزجایی، عباس (۱۳۹۴). تأثیر سیاست خارجی حزب عدالت و توسعه ترکیه بر امنیت خاورمیانه، پایان‌نامه دانشگاه پیام نور تهران غرب.
- کتابی، امیر علی؛ جعفری فر، احسان (۱۴۰۲). راهبردهای قدرت هوشمند جمهوری اسلامی ایران در بحران سوریه، مطالعات قدرت نرم، ۱۳(۱)، ۱۶۸-۱۴۱
- مسعودنیا، حسین؛ عالیشاهی، عبدالرضا (۱۳۹۶). کودتای ۱۵ جولای ۲۰۱۶ ترکیه بر اساس نظریه شکاف‌های اجتماعی، دولت پژوهی، ۴(۱۶)، ۲۱۰-۱۷۵
- معراجی، ابراهیم (۱۳۹۹). تغییر رویکرد در سیاست خارجی ترکیه از اتحادیه اروپا به خاورمیانه، تحقیقات سیاسی و بین‌المللی، ۱۲(۴۵)، ۳۱-۱۷.
- AA. (2016). Russia: Syrian conflict costs rise to \$8 million per day: <https://www.aa.com.tr/en/economy/russia-syrian-conflict-costs-rise-to-8-million-per-day/495167>
- Akmehmet, H. (2015). The High Cost to Turkey of the Syrian Civil War: <https://www.newsweek.com/high-cost-turkey-syrian-civil-war-403535>
- Arslantaş, Ş. (2013). The Political analysis of the Syrian crises and the zero-problem policy with Syria (Master's thesis, Middle East Technical University).

- Averre, D., & Davies, L. (2015). Russia, humanitarian intervention and the Responsibility to Protect: the case of Syria. *International Affairs*, 91(4), 813-834.
- Beauchamp, Z. (2015). Syria's Turkmen: who they are, and what they have to do with Russia's downed plane: <https://www.vox.com/2015/11/24/9792830/russia-plane-turkmen>
- Benli-Altunışık, M. (2016). Turkey's Foreign Policy in the Middle East: Limitations of Brinkmanship: https://jime.ieej.or.jp/en/report_text.php?article_info_id=9509
- Borshchevskaya, A., Wajeeh, R., Rakov, D., & Sim, L.-C. (2021, APR 21). Retrieved from Russia in the Middle East: A source of stability or a pot-stirrer?: <https://www.atlanticcouncil.org/blogs/menasource/russia-in-the-middle-east-a-source-of-stability-or-a-pot-stirrer/>
- Cornell, S. E., & Starr, S. F. (2020). Kazakhstan's Role in International Mediation under First President Nursultan Nazarbayev. Institute for Security & Development Policy, November. <https://isdpc.eu/publication/kazakhstans-role-in-international-mediation-underfirst-president-nursultan-nazarbayev>
- CRU Report(2019:18). Retrieved from Key characteristics of Turkish use of Syrian armed proxies: <https://www.clingendael.org/pub/2019/strategies-of-turkish-proxy-warfare-in-northern-syria/4-key-characteristics-of-turkish-use-of-syrian-armed-proxies/>
- DINÇASLAN, M (2015) ,The Syrian question: who are these Turkmens?,<https://euromaidanpress.com/2015/11/27/the-syrian-question-who-are-these-turkmens/><https://www.clingendael.org/pub/2019/strategies-of-turkish-proxy-warfare-in-northern-syria/4-key-characteristics-of-turkish-use-of-syrian-armed>
- Edclub. (2019). russian language in syria and palestine: s Foreign Policy: <https://carnegieeuropa.eu/2021/09/14/how-syria-changed-turkey-s-How-Syria-Changed-Turkey-۲۰۱۱>
- Euronews (۲۰۱۹). گاهشمار جنگ داخلی سوریه؛ آنچه گذشت: <https://parsi.euronews.com/2018/03/15/syrian-civil-war-7th-anniversary-chronology>

- Fonte, I. F. (2022). Syria boosts Russian language teaching: <https://www.plenglish.com/news/2022/10/19/syria-boosts-russian-language-teaching/>
- Insightturkey. (2019). Relations between Russia and Turkey Before, During, and After the Failed Coup of 2016: <https://www.insightturkey.com/articles/relations-between-russia-and-turkey-before-during-and-after-the-failed-coup-of-2016>
- Işıkşal, H. (2018). Turkish foreign policy, the Arab Spring, and the Syrian crisis: One step forward, two steps back. *Turkey's Relations with the Middle East: Political Encounters after the Arab Spring*, 13-31.
- Karaca, B. B., & Köksal, B. (2022). The Analysis of Turkish Foreign Policy in Syria: A Neoclassical Realist Perspective. *Przełąd Strategiczny*, (15), 43-58.
- Khalaf, R. (2018). Syria: what is Turkey's grand plan?: <https://www.ft.com/content/a14241de-8dbf-4a69-b064-2991f5992503>
- Kizilkaya, Z., Hamdi, S., & Salman, M. (2021). Turkey's Game Plan in Northern Syria and its Implications for the EU. *Athens Journal of Mediterranean Studies*, 7(4), 233-252.
- kirkensnodhjelp. (2016). CHAPTER 2-THE SOCIAL AND HISTORICAL BACKGROUND TO CONFLICT IN SYRIA AND IRAQ: <https://www.kirkensnodhjelp.no/en/news/publications/1/protection-of-minorities/2>
- Kutlay, M., & Öniş, Z. (2021). Turkish foreign policy in a post-western order: strategic autonomy or new forms of dependence?. *International Affairs*, 97(4), 1085-1104
- MFA. (2021, JUL 18). Turkey's Political Relations with the State of Palestine: https://www.mfa.gov.tr/turkey_s-political-relations-with-the-palestinian-national-authority.en.mfa
- Moubayed, S. (2020). Russia, Turkey and the Syrian Muslim Brotherhood: <https://newlinesinstitute.org/strategic-competition/regional-competition/russia-turkey-and-the-syrian-muslim-brotherhood/>

- Musa, E., & Koparan, O. (2022). Russia keeps strengthening its existence in NE Syria, east of Euphrates River: <https://www.aa.com.tr/en/middle-east/russia-keeps-strengthening-its-existence-in-ne-syria-east-of-euphrates-river/2630167>
- Nye, J. (2017). Soft power: the origins and political progress of a concept : <https://www.nature.com/articles/palcomms20178>
- SICCARDI, F. (2021). Retrieved from How Syria Changed Turkey's Foreign Policy: <https://carnegieeurope.eu/2021/09/14/how-syria-changed-turkey-s-foreign-policy-pub-85301>
- Tastekin, F.(2015), Turkey gambles on the Turkmens,<https://www.al-monitor.com/originals/2015/11/turkey-syria-russia-turkmen-card-against-kurds-ypg.html>
- OSW. (2016). Turkey intervenes in Syria under the umbrella of Russia: <https://www.osw.waw.pl/en/publikacje/2016-08-25,turkey-intervenes-syria-under-umbrella-russia>
- OZKIZILCIK, O. (2017). Turkey's response to Russian attack in Syria safe-zone is a milestone: <https://www.trtworld.com/opinion/turkey-s-response-to-russian-attack-in-syria-safe-zone-is-a-milestone-45092>
- Phillips, D. (2020). THE TRUTH ABOUT TURKEY'S ROLE IN SYRIA: <https://www.humanrightscolumbia.org/news/truth-about-turkey%E2%80%99s-role-syria>
- Pierret, T. (2021). Turkey and the Syrian Insurgency: From Facilitator to Overlord. Turkey, Russia and Iran in the Middle East: Establishing a New Regional Order, 59-77.
- Hedclub (2019),russian language in syria and palestine: https://hedclub.com/en/library/russian_language_in_syria_and_palestine
- Stubbs, J., & Pamuk, H. (2015). Russian raids repeatedly hit Syrian Turkmen areas, Moscow's data shows: <https://www.reuters.com/article/us-mideast-crisis-russia-turkey-airstrik/russian-raids-repeatedly-hit-syrian-turkmen-areas-moscows-data-shows-idUSKBN0TG1YQ20151128>
- Tanja A. Borzel ؛ Soyaltin D.(2012) Europeanization in Turkey, Stretching a Concept to its Limits?, KFG Working Paper No. 36, February 2012

- Taşpınar, Ö. (2021). Turkey's Kurdish obsession explains Putin's gains and US strains: <https://www.brookings.edu/articles/turkeys-kurdish-obsession-explains-putins-gains-and-us-strains/>
- Tokmajyan, A., & KHADDOUR, K. (2022). Border Nation: The Reshaping of the Syrian-Turkish Borderlands: <https://carnegie-mec.org/2022/03/30/border-nation-reshaping-of-syrian-turkish-borderlands-pub-86758>
- TOL, G. (2017). WHY IS TURKEY SILENT ON RUSSIA'S COOPERATION WITH THE SYRIAN KURDS?: <https://warontherocks.com/2017/12/why-is-turkey-silent-on-russias-cooperation-with-the-syrian-kurds/>
- Trthaber. (2015). Şimşek: Sınır güvenliğine 203 milyon lira aktarıldı: <https://www.trthaber.com/haber/ekonomi/simsek-sinir-guvenligine-203-milyon-lira-aktarildi-201096.html>
- Wastnidge, E. (2019). Transnational identity claims, roles and strategic foreign policy narratives in the Middle East. *Global Discourse*, 9(4), 605-625.